

سخنگوی دولت از تلاش برای تغییر گفت

اقتصاد

در محاصره بی برنامگی

نیاز اقتصاد ایران

متوسط قیمت اسمی مسکن در اسفند سال گذشته ۶،۲ درصد رشد کرد

ترکش جنگ او کراین به دامن ملک

صفحه ۵

برای مقابله با بحران غذایی
۴ اولویت در دستور کار قرار بگیرد

زنگ بحران در بازار مواد غذایی!

۷

بلومبرگ بررسی کرد

هفت سناریوی بدبینانه

در مورد جنگ او کراین

یادداشت - ۱

اقتصاد ایران، ظرفیت ها و چالش ها



عباس آراگون

با وجود آنکه اقتصاد ایران توانست از سال های سخت تحریم عبور کند اما قطعا ظرفیت ها و امکاناتی نیز وجود داشت که نادیده گرفته شدند و همین موضوع ما در دستیابی به اهداف کلان اقتصادی ناکام گذاشت. اینکه در شرایط دشوار ۱۴۰۰ میزان تجارت کشور از مرز ۱۰۰ میلیارد دلار عبور کرد، نشان می دهد که تنها با کنار رفتن بخشی از محدودیت های کرونا تا چه میزان امکان افزایش مبادلات بین المللی وجود دارد. حال اگر بنا باشد این محدودیت ها در حوزه تحریم های بین المللی نیز اجرایی شود، قطعا اوضاع متفاوت خواهد شد. آنچه که در برنامه ریزی برای آینده اقتصادی کشور بیشترین اهمیت را دارد، در سر گرفتن از دوران تحریم و به کارگیری ظرفیت هایی است که تاکنون کمتر به آن توجه شده است. در سال هایی که دست دولت در تامین منابع ارزی بسته بود، بخش خصوصی توانست با عبور از مشکلات و محدودیت ها، بخشی از ارز مورد نیاز کشور را تامین کند. ما باید این درس را در حوزه فعالیت های اقتصادی بگیریم که از تصدی گری دولت چیزی عاید ما نمی شود و باید تلاش کرد که حتی در دوران بدون تحریم نیز فعالیت های مستقیم اقتصادی دولت به حداقل کاهش پیدا کند. در صورتی که برجام بار دیگر اجرایی شود، قطعا همانند سال های قبل، تعداد زیادی از شرکتهای خارجی بار دیگر به ایران باز خواهند گشت و اگر شرایط لازم را فراهم کنیم، قطعا امکان جذب سرمایه گذار و فعال کردن اقتصاد کشور در حوزه های مختلف وجود خواهد داشت. این موضوع در بلندمدت نیز به نفع ما خواهد بود. اگر از کشورهای مختلف، شرکتهای متنوعی وارد ایران شوند و سرمایه گذاری های گسترده ای انجام دهند، قطعا تحریم کردن دوباره اقتصاد ایران کاری دشوار تر خواهد بود. زیرا همین شرکتهای دولت هایشان فشار می آورند و اجازه این کار را نمی دهند.

ادامه در صفحه ۸

یادداشت - ۳

خانه نشینی زنان در جامعه امروز محال است



مصطفی اقلیما

بسیاری از متفکران بر این باورند که تاریخ بشر به نوعی روایت تاریخی مردسالاری و مردسوری بوده است و چنین فرآیندی منجر به شکل گیری عقایدی قالبی در حوزه میان جنسیتی شده است. از این منظر، زنان معمولاً به عنوان موجودات احساساتی و مردان به عنوان عقلانی توصیف می شوند. در اغلب فرهنگ ها مردان به عنوان موجودات قوی و زنان به عنوان موجوداتی که به لحاظ جسمانی ضعیف تر هستند قلمداد می شوند. بر اساس این نظریات اساس، جهان به دو بخش تقسیم می شود؛ بخشی متعلق به مردان و دیگری متعلق به زنان. احساسات و عواطف متعلق به دنیای زنانه و فعالیت و تحرک متعلق به دنیای مردانه معرفی می شود. تفکر قطبی شدن در مورد جنسیت توسط زبان دالما تولید و بازتولید می شود. چنین فرآیندی سبب نهادینگی و قاعده بندی نابرابری را تسلیح اختیار کرده است. در چند دهه اخیر، با وقوع تغییرات در حوزه های مختلف و توجه به توانایی های زنان و توانمندی آنها در اجتماع بسیاری از بنیان های نابرابری تضعیف شد. اگر چه نقطه شروع این حرکت را می توان در اطمینان حق رای به زنان پس از جنگ جهانی اول در بعضی از کشورها یافت، اما اعطای جنگ جهانی به زنان تنها تازگی به روند غالب تبدیل شده است. اما اگر بخواهیم نگاهی واقع بینانه به ایران در این رابطه داشته باشیم باید بگوییم که مناسقاته ما هنوز تا حدودی با استانداردهای جهانی فاصله داریم. هر چند که ایران در زمانی جزو اولین کشورهایی بود که حق رای را برای زنان به رسمیت شناخت در حال حاضر همه ما از بی توجهی به حقوق زنان در تمامی عرصه ها مطلع هستیم؛ همین ماجرای اخیر که زنان سینماگر در بیانیه ای به آن اشاره کردند. چنین حرکت هایی می تواند آغاز راهی باشد برای اینکه مسئولان بیش از قبل به وضعیت زنان در عرصه های مختلف جامعه توجه کنند. ما نمی توانیم به بهانه چنین اتفاقاتی زنان را خانه نشین کنیم. این اتفاق رخ نخواهد داد. در جامعه روه جلوی امروز حداقل چنین چیزی محال است. اما اینکه به حق و حقوق آنها توجه کنیم، وضعیت اشتغال و زندگی آنها را مورد بررسی قرار دهیم و شرایط را برای بهتر شدن این روند فراهم کنیم از وظایفی که بر عهده کسانی است که در مسند قدرت نشسته اند، فرقی نمی کند. زن باشند یا مرد باید برای احقاق حقوق همغوغ خود پیش قدم شوند. نباید بگذاریم که زنان در سطوح مختلف اجتماعی مورد تبعیض قرار بگیرند. نباید به دلیل زن بودن توانایی هایشان نادیده گرفته شود. هنوز مساله دستمزد زنان و تفاوت چشمگیر آن با دستمزد مردان در کشور ما به طور کامل حل نشده است.

ادامه در صفحه ۸

بلومبرگ:

هفت سناریوی بدبینانه در مورد جنگ او کراین

در آنجا فقط منحرف کردن و تحقیر نیروهای اوکراینی بوده است. هدف واقعی روسیه به دست آوردن کنترل کامل بر منطقه دونباس در شرق کشور بوده و هست. چیزی که می خواهیم بدانیم این است که آیا ارتش پوتین می تواند به هدف محدودتر یعنی محاصره نیروهای اوکراینی در دونباس و شاید تامین یک «بل زمینی» از روسیه به کریمه در امتداد ساحل دریای آزوف دست یابد یا خیر. تنها چیزی که می توان با قطعیت گفت این است که این روند نسبتاً کند و خونین خواهد بود، همانطور که نبرد وحشیانه مار یوپل به وضوح نشان داده است.

■ **یا تحریر روسیه انقباض اقتصادی شدیدری در این کشور ایجاد می کند که پوتین را از دستیابی به پیروزی باز دارد؟**

اقتصاد روسیه مطمئناً از محدودیت های غربی ضربه خورده است، اما من همچنان بر این عقیده هستم که برای پایان دادن به جنگ به این کشور ضربه سختی وارد نشده است. تا زمانی که دولت آلمان در برابر تحریم صادرات نفت روسیه مقاومت می کند، پوتین همچنان ارز کافی برای حفظ اقتصاد جنگی خود به دست می آورد. بهترین شاهد این ادعا، بهبود قابل توجه نرخ برابری روبل با دلار است. قبل از جنگ یک دلار ۸۱ روبل خرید و فروش می شد. پس از جنگ، این نرخ به ۱۴۰ کاهش پیدا کرد. روز پنجشنبه این نرخ به ۸۱ بازگشت که نشان دهنده ترکیبی از پرداخت های خارجی برای نفت و گاز و کنترل سرمایه روسیه بود.

■ **آیا ترکیبی از بحران نظامی و اقتصادی باعث کودتا علیه پوتین می شود؟**

همانطور که دو هفته پیش مطرح کردم، دولت بایدن روی تغییر رژیم در مسکو شرط بندی کرده است. نه تنها دولت ایالات متحده، پوتین را جانی تنگ کنی معرفی کرده بلکه اقداماتی را برای محاکمه جانی تنگ کاران روسی در نظر گرفته است. ...

ادامه در صفحه ۳



دشمنان منطقهای که به طور فزاینده ای با یکدیگر همسو شدند - کشورهای عربی و اسرائیل - آغاز شود، آن زمان است که می توانیم درباره جنگ جهانی سوم صحبت کنیم. آخرین باری که در کی یف بودم، با استیون پینکر روانشناس دانشگاه هاروارد شرط بندی کردم. شرط من این بود که «تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۹، یک جنگ متعارف یا هسته ای حداقل یک میلیون نفر را قربانی خواهد کرد.» من مشتاقانه امیدوارم که شرط را ببازم. اما عصبانیت من یک اضطراب غیر منطقی نبوده و نیست. همانطور که در کی یف نشسته بودم و در مورد نیت احتمالی ولادیمیر پوتین و آسیب پذیری اوکراین فکر می کردم، می توانستم شاهد وقوع جنگ باشم.

■ **در سال ۲۰۱۲، من و پینکر در مورد اینکه آیا جهان در حال صلح آمیز تر شدن است یا خیر بحث کرده ایم. به طور دقیق، آیا روند معناداری برای کمتر شدن خطر جنگ وجود داشته است؟**

پینکر ادعایی دو گانه دارد؛ اول، از حدود سال ۱۹۴۵ یک «صلح طولانی» بین قدرت های بزرگ وجود داشته است که به طور قابل توجهی در تضاد با درگیری های قبلی قدرت های بزرگ است. دوم، یک «صلح جدید» نیز وجود دارد که با «جنگ نسل کشی و تروریسم» مخالف است و از زمان پایان جنگ سرد به طور ناگهانی آغاز شده و ادامه یافته است. به طور خلاصه، پینکر استدلال می کند که «کاهش قابل توجهی در میزان خشونت اتفاق افتاده است که ناشی از شرایط سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک است. او پیش بینی می کند که «احتمال وقوع یک دوره خشونت آمیز بزرگ در دهه آینده با احتساب ۱۰۰ هزار کشته در سال یا یک میلیون مرگ، در کل ۹۰۷ درصد است.» البته من معتقدم که شانس آن بالاتر از این رقم است. حتی اگر بپذیریم که جهان از سال ۱۹۵۰ کمتر پذیرای جنگ های بزرگ شده است، اما آمار نمی تواند تضمینی برای ادامه این روند ارائه کند. این حقیقت عمیق



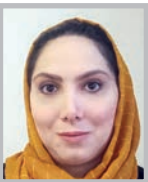
بلومبرگ نوشت: اکثر درگیری ها به سرعت پایان می یابند، اما این یکی به نظر می رسد که این طور نخواهد شد. پیامدهای این جنگ می تواند از تورم جهانی تا جنگ جهانی سوم متغیر باشد. مادر چیزی شبیه به یک جنگ سرد جدید به سر می بریم. ماقبلان نیز مشکل تورم داشتیم. جنگ اوکراین چیزی شبیه حمله کشور های عربی به اسرائیل در سال ۱۹۷۳ یا حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ است. تاثیر اقتصادی جنگ بر قیمت انرژی و مواد غذایی هشدار تورم مواد غذایی هشدار تورم جهانی را گوشزد می کند.

■ **به گزارش «انتخاب»، در ادامه این مطلب آمده است: بدترین سناریو را در نظر بگیرید. بد.**

من قبلاً در اینجا استدلال کرده ام که وضعیت جهانی امروز بیش از هر دوره دیگری یادآور دهه ۱۹۷۰ است. ما در چیزی شبیه به یک جنگ سرد جدید به سر می بریم. ماقبلان نیز مشکل تورم داشتیم. جنگ اوکراین چیزی شبیه حمله کشورهای عربی به اسرائیل در سال ۱۹۷۳ است. تاثیر اقتصادی جنگ بر قیمت انرژی و مواد غذایی هشدار تورم جهانی را گوشزد می کند. شرایط کنونی اوکراین بسیار بهتر از شرایط لهستان در سال ۱۹۳۹ است. سلاح های غریبی در حال رسیدن به اوکراین هستند. این سلاح ها پس از حمله آلمان نازی به لهستان، به روشی رسیدند. اوکراین فقط با تهدید روسیه مواجه است در حالی که لهستان بین هیتلر و استالین تقسیم شد. ایالات متحده و متحدانش نه فقط یک بحران بلکه باید سه بحران ژئوپلیتیک را در نظر بگیرند که همگی می توانند به سرعت اتفاق بیفتند، همانطور که در جنگ ژاپن علیه چین و سپس از آن جنگ هیتلر علیه اروپای غربی در سال ۱۹۴۰ رخ داد و همین طور جنگ ژاپن با امریکا و امپراتوری های اروپایی در آسیا در سال ۱۹۴۱. اگر چین در سال آینده به تایوان حمله کند و جنگی بین ایران و

یادداشت - ۲

بازگشت دوباره حقیقی ها به بورس



سارا افلاح

بازار بعد از عید روی خوشی به خود نشان داده است و این را می توان از رشد قیمت ها و افزایش ارزش معاملات خرد سهام متوجه شد. در زمستان سال گذشته ارزش معاملات در حدود ۲۰۰ درصد افزایش یافته است. عید شاهر شد ارزش معاملات به امروز به ۸۰۰ درصد افزایش یافته است. نکته بسیار مثبتی است همچنین شاهد ورود پول حقیقی به بازار هستیم و حقیقی هایی که در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ ترجیح داده بودند از بازار خارج شوند، این روزها ترجیح می دهند از صندوق های در آمد ثابت دوباره به بازار سهام ورود کنند. از آن شدن و از آن به بودن بازار در کنار رشد جهانی قیمت نفت که هم روی کرک اسپرید پالایشی هائز گذاشته و هم به صورت سنتی همواره تاثیر مثبتی روی بازار داشته است، از دلایل بازگشت حقیقی ها به بازار است. قیمت نفت نسبت به اسفندماه و اوایل جنگ اوکراین و روسیه کاهش داشته ولی همان طور که در اول فور به مونسه جی بی مورگان کرده اگر اختلال در حجم صادرات روسیه در طول سال ۲۰۲۲ ادامه پیدا کند، نفت برنت می تواند تا بشکهای ۱۸۵ دلار تا پایان سال رشد داشته باشد. احتمالاً این افزایش نرخ منجر به کاهش عرضه سه میلیون بشکه در روز می شود، حتی اگر تولید نفت شیل هم به ماکسیمم خود برسد، نمی تواند این میزان تقاضا را پوشش دهد و نهایتاً با توجه به محدودیت های نیروی کار و عدم وجود زیرساخت های لازم تا پایان سال میلادی نمی توان انتظار تولید بیش از ۱۴ میلیون بشکه در روز را شیل را داشته باشیم. از طرفی، دبیر مجمع بین المللی انرژی هفته پیش اعلام کرد که قیمت نفت ممکن است به ۱۵۰ دلار در هر بشکه برسد. یکی از اصلی ترین دلایل کسری نفت، عدم تولید شرکتهای نفتی امریکایی به میزان قبل از پاندمی کووید ۱۹ است که دلیل آن را می توان در محدودیت های ساختار نظام سرمایه و زنجیره آن بدانیم. اوپک اعلام کرده است که برنامه ای برای افزایش تولید ندارد. با توجه به تمامی این مسائلی که گفته شد، روند نفت را برای سال ۱۴۰۱ همچنان صعودی می بینیم و در صورت احیای برجام که تقریباً وقوع آن قطعی شده است، باعث می شود که دولت در آمد نفتی بسیار چشمگیری داشته باشد و همین انگیزه دولت را برای انتشار اوراق قرضه کم می کند و بازار سرمایه از این تهدید در امان می ماند. احتمال تغییرات در سود بانکی دیگر پارامتر تاثیر گذار است که در صورت افزایش سود بانکی، این موضوع تاثیر منفی بر بازار سرمایه خواهد داشت. نظر تکنیکالی روند کلی بازار سرمایه صعودی است و هر ۳ ضلع مثلث آتش بازار که عبارتند از حجم، قیمت و زمان روند صعودی را تأکید می کنند. در صورت ریسک برجام و کاهش ریسک سیستماتیک و شروع چرخه ریسک پذیری احتمالاً شاهد پیشی گرفتن بازدهی شرکتهای کوچک نسبت به شرکتهای بزرگ خواهیم بود.

ادامه در صفحه ۸

